



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ہفت بیگہ

پیامبر (ص)

بہ جنگ انہا رفت

موسیٰ صدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفت بتی که پیامبر به جنگ آنها رفت

نویسنده:

صدر موسی

ناشر چاپی:

کیهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ هفت بتی که پیامبر به جنگ آنها رفت
۶ مشخصات کتاب
۶ اشاره
۶ هفت بتی که پیامبر به جنگ آنها رفت
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

هفت بتی که پیامبر به جنگ آنها رفت

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: IR (ایران) ۸۵-۱۸۱۲

سرشناسه: پدیدآور صدر، موسی

عنوان و نام پدیدآور: هفت بتی که پیامبر (ص) به جنگ آنها رفت/موسی صدر

منشأ مقاله: (۲۶ فروردین ۱۳۸۵): ص ۷ کیهان

توصیفگر: سیره نبوی

توصیفگر: محمد (ص)، پیامبر اسلام

اشاره

۴۵ سال پیش مجله لبنانی النهج مورخ چهاردهم سپتامبر ۱۹۶۰ (۲۳ شهریور ۱۳۳۹) مقاله‌ای از امام موسی صدر به مناسبت میلاد رسول اکرم منتشر کرد. از آن جا که این مطلب حاوی نکات بدیع و تازه‌ای می‌باشد به فارسی برگردانده شده و تقدیم می‌شود.

هفت بتی که پیامبر به جنگ آنها رفت

ذهن آدمی از سپیده دم آفرینش، همواره در پی شناخت بوده است. از همین رو در طی هزاران سال در خود و پیرامون خود، به کشف ناشناخته‌ها پرداخت و با تلاشی جانکاه در پی حقیقت گشت. آنچه بیش از همه آدمی را به تکاپو و میداشت و او را به اندیشیدن بر میانگیخت، ترس او بر سرنوشت خویش بود. زیرا که خود را در جهانی پر سطوت، که از زمین و آسمان بر او دشمنانی بزرگ را چیره میکرد، ناتوان میدید، و یارای برابری با آنها را نداشت. امنیت و ثبات دو انگیزه ژرف و دو هدف دور دست او، در پس نگاههای خیره و ترسان او در معمای طبیعت، بودند. برای تحقق امنیت و آسایش تنها دو راه پیش رو داشت: ۱- چیرگی بر طبیعت ۲- سازش با طبیعت از هر راه ممکن. چون در آن دوران از تحقق امر نخست فرو مانده بود، به اکراه، به کوشش برای تحقق امر دوم تن داد. از این رو به بندگی اوهای گوناگون پرداخت که خود آنها را خلق کرده بود. این امر در قرآن کریم و همچنین در تاریخ ادیان و عقاید به وضوح دیده میشود. جهل که در آن هنگام دلیل موجهی بود، در روزگاران دیر پای دوره بت پرستی، مایه دوری انسان از جایگاه والایش بود. مقصود ما از بت پرستی، مفهومی اعم از نظام شرک آلود است. آنچه میان ساخته دست آدمی و موجودات معبود او، همچون اجرام آسمانی، درختان و حیوانات، مشترک است، همان وهم بر ساخته در این نمادهاست، که آدمیان به شیوه فریبکارانه و برای مجاب کردن عقل، در برابر آن اوهام فروتنی ورزیدند. چنانکه ما کودکان را با سرگرمی ساکت میکنیم، آدمی نیز عقل خویش را اینگونه خاموش ساخت. در آن مرحله طولانی و دشوار، آدمی بنا به غریزه ترس در برابر کائنات و طبیعت همچون خورشید و ماه سر تسلیم فرود آورد و به امید کسب روزی، در برابر حیوانات و درختان کمر خم کرد. پس از آن در برابر ساخته‌هایی که خیالش آنان را جسمیت بخشیده بود و نمادی از خدایانش بودند، تعظیم کرد. او این خدایان را در معبدهایی نزدیک خویش ساخت، تا هر گاه از چیزی میترسید یا چیزی میخواست، به آنها پناه برد. این بتها انسان را از علم آموزی و دریافت حقایق باز داشتند. چرا که به نظر او قدسیت این بتها مانع اندیشیدن در ماهیت و کنه آنها میشد. آدمی به جای تحلیل و علت یابی رخدادهای، به این بسنده میکرد که حوادث بنا بر اراده‌های علوی جریان دارد. اگر احترام آنها بر او واجب است به ناچار جایگاه او

کمتر از آن است که راز آنها را دریابد. بنابراین در خود این جرأت را نمی‌دید که از زیر سلطه طبقه ای از مردم، که اعتقاد داشت قداست خدایان را دارند، به در آید، او اعتقاد داشت که سرنوشت جهان، ثابت و دگرگون ناپذیرند. نظامهای مقدس است که مشکلات را آفریده و با مقدراتش بازی میکند، و چون چیزی نداشت که با او برابری کند، از روی درماندگی و به سبب رنجی که از او میبرد، نزدیکش شد. این نظام شرک آلود در خدمت بت‌هایی از بشریت بود، مانند طبقات بزرگان و اشراف و شاهان و ثروتمندان. افزون بر این انسان هر خرافه‌ای را باور داشت. این خرافه‌ها را بر فلسفه سستی که با ظواهر طبیعت پیوند داشت، بنا میکرد. اگر قمر در برج عقرب بود، آن را شوم میدانست و دست از حرکت و کار میکشید؛ میترسید به شری از سوی خداوند دچار شود، زیرا که در آن زمان مزاج خداوند نعوذبالله مضطرب و در معرض بحرانه‌های عصبی بود. نیز بت‌هایی از عادت و سنت را میپرستید. این سنت و عادت سنگین‌ترین غل و زنجیر بر دست و پای آدمی و پر اثرترین عامل در جمود و واپس ماندگی او بودند. ذات او مظهر بزرگترین بتها بود، و چه بسا همچنان نیز باشد. آن ذات را میپرستید و هیچ چیز را نمی‌دید، مگر از دیده آن. حق آن بود که «ذات» حق میدانست، هر چند باطل باشد. و باطل همان بود که ذات میگفت اگر چه بر حق باشد. انسان در فراز و فرودهای تاریخ چنین بود و بدین گونه اجتماعش شکل گرفت. یکی از فضایل انسان- در آن دوران نیز انسان فضایی داشت- این بود که به تجاربتش آگاه بود و از نتایج آنها سود میبرد. و رفته رفته بنا بر قوانین مسلم پیشرفت کرد، قوانین که ما آنها را الهی میدانیم و دیگران آن را مادی میخوانند. وقتی فلسفه به صورت قوام یافته و پخته ظهور یافت، فلاسفه ندای آزادی انسان را از زنجیرهایش سر دادند، و مردم را به شکستن بت‌های گوناگونشان فرا خواندند. اما واپس گرایان و سوداگران عقیده انگ الحاد و کفر بر آنان زدند، و دعوتشان را با منزوی کردنشان از مردم نا کار آمد کردند. و آنچه به منزوی شدن فلاسفه کمک کرد این بود که آنان عقل را مخاطب میساختند نه دل را، همچنان که حتی امروز کمتر کسی از مردم تحت تأثیر این زبان قرار میگیرد و به آن پاسخ میگوید. از این رو دیگر برای پیشرفت اجتماعی و به کمال رساندن آن، چاره‌ای جز دخالت خدای سبحان نبود. کار رسولان در اثر بخشی، به کلی، با فلاسفه متفاوت است. چرا که پیامبران عقل آدمی را در چارچوب وجدانشان مخاطب میساختند. و دین چنانکه متخصصین، آن را با الهام از پیامبر، این گونه تعریف کرده اند: «فطرتی است که انسان را به خالقش پیوند میدهد». و دعوت الهی از این فطرت آغاز شد. این بینش، بزرگترین عامل توفیق انبیا در رسالت بر حقشان بود. ارتباط غریزی میان آدمی و خدایش، رسالت انبیا را آسان میساخت. اما در رسالت فلاسفه سودی نداشت. در حالیکه فیلسوفان خود را تنها و آسیب پذیر میدیدند، پیامبران در ژرفای احساسات مقدس و اصیل آدمیان جای داشتند. هر گاه مردم برای حفظ سنت یا امری موروثی با آنان به جفا رفتار میکردند، دعوت از دریچه‌ایمان به خدا، به درون آنها راه مییافت. رسالت همه انبیا یکی است، و اختلافشان، تنها به ادوار زندگی بسته است؛ ادوار زندگی با توجه به «تکامل و تکوین». جوهر انقلاب پیامبران بر ضد بت پرستی به هر شکلی که باشد، در مراحل و ادوار مختلف تفاوتی نمی‌کند. زیرا که آنان رهبرانی رهایی بخشند؛ به دقیقترین معانی ای که ما امروز از این دو واژه «رهبر و رهایی بخش» در میابیم. گراف نیست اگر بگوییم حضرت محمد (ص) بزرگترین پیامبر است و انقلاب او بزرگترین انقلاب. این بیان واقعی این انقلاب است و نتایج این انقلاب و تاریخ، این را ثابت کرده است. در این گفتار بر آنیم که عظمت پیامبر را با پاره‌ای کارهای قهرمانانه اش برای آزاد ساختن بشر از بندها و بتها به سوی جهان بهتر، بر شمیریم. یکم: پیامبر در جهانی که فرقه‌ها و گرایشهای متفاوتی در آن بودند، دعوت خود را بر توحید بنیان نهاد. برای دنیا خدایانی بی خرد ساخته بودند. این خدایان منجلاهای تفرقه، رسوایی و نادانی بودند. پیامبر اسلام در دعوت رهایی بخش خود با سختی‌هایی رو به رو شد که خود - در حالی که او فداکار و شکیبا بود - چنین میگوید: «هیچ پیامبری آنچنان که من آزار دیدم، آزرده نشد». او با رد شرک و زشت شمردن بت پرستی، دعوتش را برای ژرفا بخشیدن به این اصل جامع رسالتش (یعنی توحید)، آغازید. تا اینکه در «یوم الفتح» پیروزی درخشانش را به اوج رساند. و علی جوانمرد اسلام را بر شانهایش بلند کرد. خداوند با این پیروزی او را برتری بخشید. در آن روز علی (ع) دستان خود را زیر بزرگترین بت، هبل یک

چشم وصله دار برد و آن را از ریشه برکند. دیگر بت‌های کوچک را نیز برکند تا با نابودی آنها نظام شرک را از میان برد. پیامبر در نبرد با شرک به از میان رفتن ظواهر بسنده نکرد. بلکه در سنگر گاه‌های آن یعنی جانها و دلها به مبارزه با آن پرداخت. و جانها و دلها را از نگرانیها و وسوسه‌ها پاک کرد. پیامبر میفرماید: «شرک پنهانتر است از جنبش مورچه‌های سیاه، بر تخته سنگی، در شبی تیره». چه انگیزه‌های نیرومندتر از حس خطر از پیروی شرک و مقابله با اثرش در راه‌های تاریک و لانه‌های پنهانش است؟ و چه نیرویی بهتر از این احساس، با خطر کمین گرفته در درون سینه‌ها و آرام جانها مقابله میکند؟ سال نهم هجری پیامبر، هیئتی متشکل از علی(ع) و ابی بکر را با آیاتی از سوره براءت روانه یمن کرد. حضرت علی از جانب پیامبر نبردی بر ضد الحاد را در دربار اعلام کرد. نبردی که در آن سستی و نرمش راه نداشت. خورشید و ماه را از عرش الهی تا بندگانی برای خدا پایین آوردند. او گفت خورشید و ماه و دیگر موجودات تحت فرمان خداوند هستند. و هرگاه خداوند برای آنها خیر و نفعی بخواهد، خیر و نفعی بیشتر به انسان میرسد. پیامبر در دعوت خود، در برابر فریبها و تهدیدها، نه سستی ورزید و نه نرمش به خرج داد. در برابر آنها قد برافراشت و گفت: «به خدا سوگند اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند، تا از رسالتم دست بردارم، چنین نمیکنم مگر مرگم فرا رسد». آنچه طبری و ابن حجر به نام افسانه «غرائق» نقل کرده‌اند، بسیار شگفت انگیز است. برای بیابانگی این روایت کافی است آن را با رسالت و سیره پیامبر بسنجیم. آنها نقل کرده‌اند: در سال پنجم هجری ستمها بر مسلمین گران آمد. سرانجام پیامبر به گروهی دستور داد به حبشه هجرت کنند. پیامبر آرزو داشت که آیه‌های بر او نازل شود و به او اجازه دهد تا با ستمگران و بت‌های آنها خوش رفتاری کند. پس سوره نجم نازل شد. پیامبر آن را برای مردم خواند. وقتی به این دو آیه رسید: «افرأیتم اللات والعزی، و مناه الثالثه الاخری» (آنها غرائق بلند مرتبه هستند و از آنها امید شفاعت میرود) به او الهام، و بر زبانش جاری شد: «تلک الغرائق العلی، و منهن الشفاعة ترتجی». مشرکین شادمان شدند، چه مشاهده کردند پیامبر به خدایانشان احترام میگذارد، و در کارها آنها را شریک خداوند میدانند. آنها روایت کرده‌اند پس از وحی و شب هنگام که پیامبر تنها ماند، پشیمان شد، افسوس خورد و ناپسند شمرد آنچه بر زبانش جاری شده بود. و مساله را دوباره به حال نخستینش برگرداند. اما پاسخی کوتاه به این افسانه: ۱- در سند این روایت کسی هم چون محمد بن کعب هست، که در هنگام نزول سوره نجم متولد نشده بود. او دو سال پیش از وفات پیامبر به دنیا آمد. همچنین در میان راویان کسی وجود دارد که به حبشه مهاجرت کرده بود. محمد بن قیس از آن جمله است. حتی یک راوی هم ندیدیم که در زمان این رویداد حاضر بوده باشد. ۲- بخاری و درامی و دیگر محدثین و سیره نویسان، سجده‌های پیامبر در سوره نجم را گفته‌اند، اما به افسانه غرائق اشاره‌های نکرده‌اند. ۳- قاضی عیاض تصریح کرده است که داستان غرائق ساخته زنداقه است، و فقها و گروهی از محدثین نظر او را پذیرفته‌اند. ۴- حتی با چشم پوشی از آنچه گفته شد، قرآن خود بطلان داستان را ثابت میکند. آیات سوره نجم آشکارا لات و غزی و منات را به ریشخند میگیرد! در آیات آمده است: «ان هی الا اسماء سمیتوها ائتم و اباء کم ما انزل الله بها من سلطان ان یتبعون إلا- الظن و ما تهوی الانفس و لقد جاء هم من ربهم الهدی» (اینها چیزی نیستند جز نامهایی که خود و پدران‌تان به آنها داده اید. و خداوند هیچ دلیلی بر آنها نفرستاده است. تنها از پی گمان و هوای نفس خویش میروند و حال آنکه از جانب خدا راهنمایی‌شان کرده اند) این آیه چگونه با این افسانه جمع شدنی است. در آغاز سوره خداوند میفرماید: «والنجم اذا هوی- ما ضل صاحبکم و ما غوی- و ما ینتطق عن الهوی- ان هو الا وحی یوحی- علمه شدید القوی» (قلسم به آن ستاره چون پنهان شد، که یار شما نه گمراه شد و نه به راه کج رفته است و سخن از روی هوی نمی گوید. نیست این سخن جز آنچه بدو وحی میشود. او را آن فرشته بس نیرومند تعلیم داده است). دوم: مردم را از یک الوهیت خیالی رهاوند. برای نخستین بار در تاریخ، اندیشه را به نیکوترین شکل آزاد، و از ویرانه بت‌ها راهی به دیار علم باز کرد. دیگر دریاها، کوهها و ستارگان حریمهایی بودند که فکر فقط با زنجیرهای سنگینی از قداست میتوانست به آنها نزدیک شود پیامبر مسلمین را به فراگیری علم خواند، تا آن را برای خیر آدمی به کار گیرند. آنها را به باز نمودن قفل‌های طبیعت، به یاری تأمل و تجربه فرا خواند. دستور داد تا علم بیاموزند «حتی

اگر در چین باشد». دستور داد تا «از گهواره تا گور» پایداری پیشه سازند و تلاش کنند. پیامبر راه را بر شیادی و خرافه سازی بست، و اجازه نداد تا ساده اندیشان عقاید مبهم را در پوششی از تقدس و ترس بپذیرند. چنانکه در اروپا وضع چنان بود. در قرون وسطا شدیدترین تنبیهات را به دانشمندان و آزادیخواهان چشانند. حکایت گالیله و کوپرنیک و دکارت و صدها نفر دیگر هنوز از ذهنها پاک نشده است. سوم: پیامبر برای برپایی یک جهان واحد و اجتماعی برتر، همه قیدها را در یک فراگیری بیسابقه و بی همتا در هم شکست. نخست اعلام کرد: نظام فاسد اثر مستقیم رفتار و سلوک آدمی است. اگر انسان نظام برتری بخواهد، چنین چیزی به دست خواهد آمد. گفت: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یرغروا ما بانفسهم» (در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند). همچنین گفت: «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون» (به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا (سزای) بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشانند، باشد که باز گردند). ثانیاً: تصریح کرد هر جا که بوی ظلم استشمام میشود، باید بر ضد آن انقلاب کرد. و نیز انسان را به مقابله با طاغوتیان و ستمگران فرا خواند. و فرمود: (به ستمکاران میل نکنید، که آتش بسوزاندتان. شما را جز خدا، هیچ دوستی نیست و کسی یاریتان نکند). ثالثاً: برابری در حقوق و واجبات را وضع کرد. پس میان آدمیان فرقی نیست مگر در علم و عمل و تقوا. سلسله مراتب آدمیان نژاد و ثروت، جایگاه و اعتباری ندارد. پادشاهان و رهبران همچون دیگران «در برابر خدا بر چیزی توانا نیستند». «قل اللهم ملک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء» (بگو: «بار خدایا، تویی که فرمانروایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را بازستانی؛ و هر که را خواهی عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی.») معری (رحمه الله علیه) میگوید: کزهنی الی الرؤسا، کونی و ایاهم لخالقنا عبیدانیکوست اشارهای کنیم به تأکید بر ثروتمندان برای نابودی بت ثروت. چرا که شیفتگان بندگی ثروت آرزو داشتند که وحی بر قارون عرب، ولید بن مغیره، یا دوستش، عمره بن مسعود ثقفی، نازل شود. قرآن میگوید: «و قالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریبتین عظیم - اہم یقسمون رحمہ ربک نحن قسمنا بینہم معیشتہم» (و گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از (آن) دو شهر فرود نیامده است؟ - آیا آنند که رحمت پروردگارت را تقسیم میکنند؟ ما (وسایل) معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم) چهارم: پیامبر مصرانه با خدایان شرک چه از سنگ و چه از نوع بشر تحدی میکند، هستی و بی پایگی آنان را مینمایاند و در انداختن ارزش و اعتبار آنها، پیروز میشود. «یا ایها الناس ضرب لکم مثل فاستمعوا له وان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا و ان یسلبہم الذباب شیئا لا یستنقذوہ منه ضعف الطالب و المطلوب» (ای مردم، مثلی زده شد. پس بدان گوش فرا دهید: کسانی را که جز خدا میخوانید هرگز (حتی) مگسی نمی آفرینند، هر چند برای آفریدن آن اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان بر باید نمی تواند آن را باز پس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوانند). چه بسا قصه یک عرب بادیه نشین پر معناترین چیزی باشد که از پیامبر برای زدودن ترس مردمان و در هم شکستن هیبت غیر حق از اذهانشان روایت شده است. یک بادیه نشین متحیرانه و از روی ترس به عظمت پیامبر اقرار کرد؛ همچون بندگان در برابر پادشاهان. پیامبر مهربانانه به او گفت: «همانا من فرزند زنی از قریشم که خرده گوشت میخورد» پنجم: شدت موضع پیامبر در برابر تطیر و تفأل و تنجیم کمتر از ستیز او در برابر دیگر اوهام و خرافات نبود. در برخی جنگ ها، پیامبر به دلیل «طالع نحس»، از رفتن به نبرد نهی میشد، اما پیامبر روانه جنگ میشد، و طالع نحس را به «طالع سعد» دگرگون میکرد، و میگفت: «نه نحسی ای هست و نه دشمنی ای». می گفت: «با روزها دشمنی نورزید و الا - با شما دشمنی میورزند». همچنین میگفت: «هر کس به سنگی ایمان بیاورد، خداوند با او محشورش میکند». ششم: پیامبر در برابر عادات و تقلید از گذشتگان (سنت) همان موضع پیشین را داشت. پیامبر سنت گذشتگان را تحت تأثیر تحولات زمانه معرفی کرد، پس نباید سنتها به بت و خدایی بر ساخته تبدیل شوند و به آنها تقدس بخشیم. خود پیامبر با تشریح اسلامی آسانی در حادثه زید، فرزند خوانده اش و زینب دختر جحش، دختر عمه اش، یکی از مخاطره آمیزترین و نیز دشوارترین این رسمها را نفی کرد. نیکوست که در این باره به

تفسیر امام شیخ محمد عبده و دیگران رجوع کنیم تا مفصلاً از حکمت تشریح در این حادثه بر ضد بت عادت، آگاهی یابیم. هفتم: و بالاخره تنها بت بزرگتر که همان بت «خودخواهی» است، باقی ماند. معروف است که رهایی از آن را جهاد اکبر خوانند. در قرآن شریف آمده است: «أفریت من اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه فمن یهدیه من بعد الله افلاتذکرون» (پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خویش قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای (و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴) (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵-۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

